



## نگاهی به زندگینامه شادروان خیر محمد کارگر

سایت ژواک، مرگ المناک شخصیت گرانقدر کشور مرحوم خیرمحمد کارگر، سابق سناتور و معاون شاروالی کابل را به خانواده، اقارب و علاقمندان آن مرحومی تسلیت گفته، صبر جمیل برایشان آرزو می برد.

شادروان خیر محمد کارگر بتاريخ چهارم جنوری سال 2010 نسبت بیماری که عاید حال شان گردید، در شهر کوپنهاگن وفات نمودند. جنازه مرحومی بتاريخ نهم ماه جنوری با حضور صدها تن از علاقمندان در شهر کوپنهاگن کشور دنمارک به خاک سپرده شد.

برای استقبال از شخصیت گران ارج زنده یاد خیر محمد کارگر، اینک متن سخنرانی آقای ملک ستیز پژوهشگر امور بین المللی را که در مراسم به خاک سپاری جنازه آن مرحومی در شهر کوپنهاگن ارایه گردیده است، به دست نشر می سپاریم.

\*\*\*

یارب به نام نامی ات آغاز میکنم

این کوله بار درد دلم باز میکنم

### نوشته ملک ستیز

امروز ما سوگ نشستگان کوله بار اندوه و درد، بر سینه های غمین خویشیم، که بر مهمانی آخرین پدرود بر مزار شخصیت بی بدیل، پدر بزرگ، مرد آهنین، همراه جوانمرد و رفیق باورمند به ارزشهای انسان و پاسداری از میهن، گرد آمده ایم.

کوس رحلت بکوفت دست اجل ای دو چشمم وداع سر بکنید

آری، سخن از انجنیر خیر محمد «کارگر» است، که به تأریخ چهارم جنوری 2010، برابر با 14 جدی 1388 هجری - خورشیدی، به گونه نابهنگام، داعی اجل را به استقبال نشست و به ابدیت پیوست. انا لله و انا الیه الراجعون.

این مرگ نا به هنگام، خانواده، اقارب، دوستان و علاقمندان وی را، در داخل و خارج از کشور، متأثر گردانید.

این قلم، توان کارنامه نویسی چنین شخصیت برجسته را در محدوده سطرهای معینی ندارد و باورمند است، که زندگی پر تلاطم شخصیتی چون خیر محمد کارگر، نیازی به پژوهش کارشناسانه بی دارد. امید می رود که در فرصت مناسبی، این آرزو به واقعیت مبدل گردد و ما درسنامه های بزرگ وی را به نسلهای آینده خویش ارایه دهیم. اما به اختصار، شمه بی از کارکردهای مرحوم خیر محمد کارگر را به گونه گزینشی به خوانش می گیریم.

مرحوم خیر محمد کارگر، در سال 1320 خورشیدی، در شهر کابل، چشم به دنیا گشود. در دوران کودکی، درسهای بزرگ را از زندگی آموخت. از نوجوانی، مسؤولیت، سرپرستی و حمایت از خانواده بزرگی را بر دوش گرفت، که به بهترین گونه آن، از عهده این کار بزرگ، موفق بدر آمد. به همه درس، تعلیم و امکانات فراهم کرد و خود به خدمتگزار و پدر رهنما بر همه اعضای این خانواده بزرگ مبدل گردید. از آوان نوباوگی، عشق بی پایانی، تار و پود وی را فرا گرفت، که خود، این عشق را «کار» می نامید. دوستان دوران نوباوگی وی نقل میکنند، که اسم «کارگر»، از همین عشق بزرگ نشأت کرده است. وی، عاشق به دنیا آمد و عاشقانه از دنیا رفت و به قول حضرت ابوالمعانی:

### وجود آدمی از عشق میرسد به کمال      گرین کمال نداری، کمال نقصان است

مرحوم خیر محمد کارگر، تحصیلات عالی خویش را در سطوح لیسانس و ماستری، در بخش فزیک دانشکده سیانس و انستیتوت علوم اجتماعی کابل، به سر رسانید. اگر با نگاه ژرفی به زندگی شخصی و اجتماعی مرحوم کارگر نگرینسته شود، سه مؤلفه اصلی، شخصیت کلی وی را بر ملا میسازد. این مؤلفه ها، کار، آموزش و خدمت بوده اند.

پس از ختم تحصیلات، مرحوم خیر محمد کارگر، در سال 1355 خورشیدی، در مدیریت شهرسازی و خانه سازی، به کار گماشته شد. دیری نگذشت، که به سمت معاون ریاست میخانیکی وزارت فواید عامه، منتصب

گردید. سپس، ریاست پروژه ساختمانی علم و فرهنگ را، که از لحاظ بنایی، از شهکارهای مدرن و مهم کشورست، عهده مند گردید. کار و تلاش بی پایان وی باعث شد، که به زودی، به عنوان رییس عمومی کار و ساختمانی شاروالی کابل و معاون اول شاروالی کابل، برگزیده شود. درین مدت، مرحوم کارگر، به عنوان مهندس با نام کشور، به سمت عضو در کمیته های تحقیقاتی برنامه های شهرسازی و مسکن و عضو بوردهای تصویب برنامه های اعمار و توسعه شهر کابل، کار نموده است. ثمره کارکردهای مرحوم خیر محمد کارگر بی شمارند، که درینجا فقط به چند نمونه آن بسنده میشود.

طرح نقشه ریاست مهندسی پاما، که از جمع نهادهای با اهمیت مهندسی در کشور به حساب می آید؛

طرح و دیزاین پروژه اعمار سرپناه برای فقرا، بی سرپرستان و بیجا شدگان بنام «نو آباد پلچرخ که منجر به تقسیم بندی 13000 نمره زمین برای 85000 خانواده فقیر گردید.

طرح، دیزاین و ساختمان جاده شهدای صالحین؛

تکمیل ساختمان جاده بگرام - کابل؛

طرح، نقشه پردازی و اعمار مسجد مدرن در ناحیه افشار شهر کابل؛

ترمیم مساجد عدیده در شهر کابل؛ به عنوان نمونه، تکمیل و ترمیم مسجد مدرن وزیر اکبر خان؛

ترمیم و بازسازی مسجد عیدگاه کابل؛

تأسیس نخستین فابریکه فلزکاری خصوصی در افغانستان، به نام مؤسسه تخنیکي اتفاق.

مرحوم کارگر، در هر سمتی که کارکرد، پیامدهای بی مانندی از خود به جا می گذاشت و مورد تأیید و تشویق دولت، نهادها، متخصصین ملی و بین المللی قرار میگرفت. درینجا نمونه های از افتخاراتی را که به دست آورده بود، مطرح می نمایم:

**مدال شهامت:** این مدال به خاطر شهامت در کارهای بی نظیرش در ولایات لوگر، پنجشیر و ولسوالی سروبی، برایش اهدا گردیده است.

**مقام نخست شهرسازی کابل:** این لقب، به خاطر کارکردهای بی‌مانندش، که شبها با لباس کارگری، در کنار همکاران خود کار میکرد، برایش اهدا شده است.

**دیپلوماها و مدالهای خدمت:** دیپلوماها و مدالهای مذکور، که شمارش آن درین فرصت محدود ممکن نیست، به خاطر ارجحاری به کارهای با کیفیت، برایش داده شده است.

**مدال صداقت:** که به خاطر صداقت و مردانگی اش، برایش اهدا شده است.

مرحوم کارگر، در سمت عضو سنای افغانستان نیز کار کرده است. درین دوران، وی به عنوان شخصیت صادق، حسابه و شفاف، از محبوبیت و شهرت بی‌نظیری بهره مند بوده است و همه وی را به عنوان منتقد جدی در پیوند با هر نوع بی‌کفایتی و نابسامانی میشناختند. کارگر صاحب، این دوران کار خود را به شوخی «استراحت و تفریح» می‌نامید. وی عاشق کار عملی برای عمران میهن بود.

ابعاد گسترده‌ی از دشواریها و ژرفنای متلاطمی از چالشهای روزگار، شخصیت سیاسی مرحوم کارگر را شکل داده بود. وی، باور بزرگی به مقام شامخ انسان داشت. این باور بزرگ، دورنمای هدفمند زندگی سیاسی، اجتماعی و فرهنگی اش را شکل می‌داد. وی، خود را به عنوان یک رسالت ارزشمند در برابر این دورنمای انسانی، تشخیص کرده بود و هرگز این دشواریها و چالشها، کمرش را خم نکرد.

### **هرگز نمیرد آنکه دلش زنده شد به عشق      ثبت است بر جریده عالم دوام ما**

اندیشه‌های سیاسی و اجتماعی کارگر صاحب را مبارزات آزادیبخش ملی برای تأمین عدالت اجتماعی شکل بخشیده بود. وی، به همسانی اجتماعی، پلورلیسم، توسعه و عمران در کشور می‌اندیشید. این باورها، با واژه «میهن» عجین شده بودند و معنای زندگی سیاسی مرحوم خیر محمد کارگر را تعریف می‌کردند. عضویت وی در حزب دموکراتیک خلق افغانستان، بر همین جوهر استوار بود. وی، در مبارزات سیاسی اش، نماد بی‌نظیری از میهن دوستی بود. عشق به میهن، پیام نخست و نهایی اندیشه‌های سیاسی کارگر صاحب بود.

در همین چند روز پیش، زمانی که تازه از کابل برگشته بودم، نزدش رفتم و در آن هنگام، آخرین لحظات زندگی اش را پی‌هم به شمارش گرفته بودند. انگار برای آخرین بار میخواست از میهن، این معشوق همیشگی اش، بپرسد: وضعیت وطن چگونه بود، پسر؟ این را پرسید و فواره‌های اشک، قلب ناتوان و چشمهای امیدوارش را شست و شو میکرد.

شخصیت اجتماعی وی، از آوان کودکی نضج گرفته بود. وی، از کودکی آموخته بود، که چگونه همدیگرپذیری را به فرهنگ مناسبات اجتماعی اش مبدل گرداند. صراحت، صداقت و شفافیت، سه عنصر با اهمیت زندگی اجتماعی مرحوم کارگر صاحب را ساخته بودند. وی، در جوانمردی و فقیرپروری اش بی نظیر بود. در هر سمت و مقامی که کار کرد، فقیرترینها را دوست می داشت، می شنید و همنوایی میکرد.

در زمانی که سمت رییس عمومی کار و ساختمانی را عهده مند بود، شبها پس از اجرای وظایف روزانه، به کار سرپناه سازی برای خانواده های کارگران فقیر و خانواده های شهدا می پرداخت. تا همین حالا، کودکان این خانواده ها، محبت بی پایان این بزرگ مرد را یاد می کنند و برایش دعا می نمایند. هر کسی که با کارگر صاحب مناسبتی داشته است، خود را بهترین دوستش یافته است و با این دوستی تا آخرین لحظات زندگی اش گام گذاشته است. چنین ویژگی شخصیتی کارگر صاحب، نظیری نداشت. وی، بهترین واژه ها را بر دوستانش برمی گزید و خطاب میکرد. اگر آیین صداقت را مدرسه اصلی زندگانی کارگر صاحب بشناسیم، به یقین که وی بهترین شاگرد این مکتب بزرگ است.

شخصیت فرهنگی کارگر صاحب نیز خیلی آموختنیست. وی، فرهنگ را محموله یی برای انسانیت تعریف می کرد و با استعاره میگفت، من فرهنگ را از زبان کارگری ام تشخیص کرده ام. این گونه پرداخت به فرهنگ، دیدگاه جالبی را ارایه می کرد؛ یعنی فرهنگ وسیله برای انسان بودن. این فرهنگ متعالی، در لحظه - لحظه زندگی کارگر صاحب متبلور گردیده بود. کتاب، دوست همیشگی کارگر صاحب به حساب می آمد. زمانی که به بحثی می نشست، عینکهایش را برمی داشت، کتابش را باز میکرد و واژه به واژه کلمات را پهلوی هم می گذاشت و استدلالش را بر کرسی می نشاند. وی، این فرهنگ متعالی را، با زیباییهایش، در وجود خود پرورانیده بود. در توسعه فرهنگی نیز چنین می اندیشید، اما در گستره پیچیده و به چالشهای فرهنگی نیز باور داشت. وی، گمان داشت که فرهنگ ملی، پیش زمینه های سلطه ملی را خلق میکند و ملت را هویت فرهنگی می بخشد.

نقش کارگر صاحب در رشد و توسعه ورزش در کشور نیز، اهمیت زیادی دارد. وی، نخستین باشگاه سازمانیافته ورزشی را به نام «اتفاق» بنا نهاد، که به یکی از معروفترین مراکز ورزش فوتبال در کشور مبدل گردید. ایجاد نخستین گروه سکی بازان در کشور، از دستاوردهای دیگر وی در عرصه ورزش است. کارگر صاحب، رهنمای مهمی در گروه داوران ورزش فوتبال به حساب میرفت. دوران شگوفایی فوتبال کشور، شاهد کارکردهای بی نظیر کارگر صاحب است. کارگر صاحب، به عنوان رییس افتخاری فدراسیون والیبال و مشاور افتخاری کمیته المپیک افغانستان، نقش مهمی نیز در معیاری سازی ورزش در کشور بازی کرده است.

مهاجرت و غربت، بار سنگینی بود بر شانه های تنومند این بزرگمرد، که به گونه آهسته و فرسایشی پاهایش را تضعیف میکرد و کمرش را ناتوان میساخت و قلبش را می آزارد. مردی، با این بزرگی و شهامت، با یاد نامی از وطن، اشکبار میشد. فکر میکردی، با دیدگاههای عمیق، در درون بحر اشکهایش گم میشود و اطلس نگاهش گم‌رنگ میگردد و امید از درونش کوچ می بندد. این درد بزرگ و غیرقابل تصویری بود برای این انسان میهن دوست. شاید این غربت دربار، مرگ نا به هنگامش را باعث گردید.

کارگر صاحب، شوهر مهربانی برای یگانه همسر زندگی اش بود. وی، پدر ارزشمندی برای فرزندان، برادر خوب و رهنمای بی نظیری برای همه خانواده اش بود. وی، فرزندان را به آموزش و تعلیم و تربیت رهنمایی میکرد. از همینجاست که همه فرزندان کارگر صاحب، از پسر و دختران، به درجه های والای آموزشی دست یازدیده اند و آرزوی دیرینه پدر را بر آورده ساختند. تمام اعضای خانواده، با از دست دادن این مرد بزرگ، بهترین مشاور خود را از دست داده اند. چگونه میتوان چنین ضایعه بزرگی را تصور کرد؟

از مرحوم کارگر صاحب، خانم مهربانی، یک پسر جوانمرد و هفت دختر با شهامت، به جا مانده است.

ای چرخ فلک خرابی از کینه تست      بیدادگری شیوه دیرینه تست

ای خاک اگر سینه تو بشکافند      بس گوهر قیمتی که در سینه تست